

هویت و مجاز: تأثیر هویتی اینترنت

جهانگیر معینی علمداری*

چکیده:

در مقاله‌ی حاضر این دیدگاه مطرح شده است که اینترنت علاوه بر اطلاع‌رسانی موجب بروز تحولات هستی‌شناختی در کاربران نیز می‌شود. شخص با ورود به اینترنت به دنیای مجازی گام می‌گذارد. این سپهر مجازی امکان هویت‌سازی را به اشکال جدیدی فراهم می‌آورد. این امر در نهایت به تکثر هویتی و رشد فردیت در شخص می‌انجامد. به عقیده‌ی نویسنده، نظریه‌های متعارف درباره‌ی هویت قادر به توضیح این مسأله نیستند. از این رو، وی برای تشریح تأثیرات هویتی اینترنت در کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه از نظریه‌ی بازتابی هویت استفاده کرده است.

کلید واژه‌ها: ابرمتن، تکثر هویتی، جامعه‌ی شبکه‌ای، سپهر مجازی،
فوق فرهنگ، مجازی شدن، هویت

* دکتری علوم سیاسی و عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

اینترنت به عنوان یک وسیله‌ی ارتباطی و مبادله‌ی اطلاعات، به تدریج در کشورهای در حال توسعه‌ی متداول می‌شود. البته هنوز زیر ساخت‌های فنی لازم برای استفاده از شبکه‌های رایانه‌ای و اینترنتی در جهان سوم به مراتب ضعیف‌تر از اروپا و ایالات متحده است. با این حال زمینه‌های به‌کارگیری این ابزارهای ارتباطی در جهان سوم در حال رشد است؛ به‌صورتی که با اطمینان می‌توان پیش‌بینی کرد که در بیست سال آینده، مردم این جوامع برای گذران امورشان، به مراتب بیش از اکنون به اینترنت - یا احتمالاً شبکه ارتباطی پیشرفته‌تری وابسته خواهند شد. چنین تصویری چندان دور از ذهن نیست؛ زیرا اولاً جامعه‌ی اطلاعاتی نوین در حال تکوین است و این جامعه‌ی اطلاعاتی جدید ابعادی جهانی دارد و دیر یا زود کشورهای جهان سوم را نیز در بر خواهد گرفت. ثانیاً اینترنت به تدریج به بخشی از تمدن معاصر تبدیل شده است. به عبارت دیگر، روند توسعه‌ی کشورها به سمتی می‌رود که پدیده‌هایی مانند اینترنت در آینده نقش بسزایی در زندگی اجتماعی - فرهنگی و سیاسی انسان‌ها ایفا خواهند کرد. از این رو، تصمیم‌گیری درباره‌ی گسترش شبکه‌هایی از این دست در جهان سوم نه یک انتخاب، بلکه امری ناگزیر است.

از سوی دیگر، با توجه به این که اینترنت یک پدیده‌ی تمدنی است، در می‌یابیم که تأثیر آن بر زندگی عادی افراد و تحولات فرهنگی و اجتماعی بسیار جدی است. در مقاله‌ی حاضر تنها تأثیر هویتی اینترنت را در چارچوب بحث نقش رسانه در تحول هویت در جریان گذار از مدرنیته مطرح می‌کنیم. فرضیه‌ی مقاله این است «مجازی شدن اینترنتی فرصت بی‌سابقه‌ای را در اختیار فرد یا گروه‌های اجتماعی برای ساختن و به نمایش گذاشتن هویت خویش قرار داده است و عرضه‌ی منابع هویتی گوناگون توسط اینترنت موجب تکثر هویتی فرد می‌شود. این روند به‌طور موازی در کشورهای در حال توسعه و صنعتی پیش می‌رود و با گرایش به تکثر هویتی در مدرنیته‌ی متأخر کاملاً هم‌خوانی دارد». مسأله فقط این نیست که هویت‌های موجود در یک جامعه متکثر می‌شوند و جامعه به سوی کثرت‌گرایی فرهنگی حرکت می‌کند؛ بلکه مسأله آن است که فرد در درون خویش چندگانه و دچار تکثر هویتی می‌شود. این امر هر دو دسته کشورهای در حال توسعه و صنعتی را شامل می‌شود؛ با این تفاوت که افزایش کاربری اینترنت و تشدید این وضع فوق مدرن در جهان سوم می‌تواند به بروز بحران‌های هویتی شدیدی در این جوامع منجر شود که تبعات فرهنگی زیادی را نیز به بار خواهد

آورد. به طور کلی، اگر بخواهیم از چشم‌انداز هویتی به قضیه بنگریم، این تحولات فرهنگی و ارتباطی، جهان سوم را در مقابل یک وضعیت هویتی تعارض‌آمیز قرار می‌دهد. از یک سو مدرنیته نتوانسته است مطابق انتظارات قبلی، هویت نسبتاً تثبیت شده‌ای را ایجاد کند و از سوی دیگر، رشد تکثر هویتی (در قالب عملکردهای اینترنتی و عوامل دیگر) این هویت‌های شکننده را متزلزل می‌کند. از این رو، با توجه به شدت شکنندگی هویتی در جهان سوم، احتمالاً تأثیر هویتی اینترنت در این جوامع گسترده‌تر از جوامع غربی خواهد بود و شکاف‌های هویتی عمیقی به وجود می‌آورد.

مقاله‌ی حاضر به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود. ابتدا مفهوم بازتابی شدن در سپهر مجازی و آثار هویتی آن بررسی می‌شود. در این بخش با استفاده از نظریه‌ی ساخت یابی^۱ «آنتونی گیدنز»^۲ به توضیح رابطه‌ی موجود میان هویت و اینترنت می‌پردازیم و در بخش بعدی نتایج این امر را برای جهان سوم مورد بررسی قرار می‌دهیم. این مباحث در چارچوب جامعه‌شناسی مجازی^۳ صورت می‌گیرد. جامعه‌شناسی مجازی موضوع بحث خود را سپهر مجازی^۴ قرار داده و به این مسأله می‌پردازد که چه‌گونه فن‌آوری‌های جدید ارتباطی، نحوه‌ی سازماندهی و سلسله مراتب قدرت، قشربندی‌های اجتماعی و ارزش‌ها و هنجارها را دگرگون ساخته‌اند. در واقع، به علت ادغام فن‌آوری‌های ماهواره‌ای با رایانه و تلویزیون بدیل‌هایی برای نظام ارتباطی قبلی پدید آمده و نظام تازه‌ای از تولید کنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان، جانشین نظام قبلی شده است. بنابراین، عامل جدید توانسته است در حیطه‌ی رسانه‌ها، مرزبندی‌های جدیدی ارائه دهد. با توجه به تحول مزبور «مارک پاستر»^۵ از عصر دوم رسانه‌ها سخن می‌گوید (مارک پاستر، ۱۳۷۷: ۱۴). گروهی از نویسندگان، این تحول را در عالم ارتباطات، مبدأ عصر جدیدی میدانند: «مدرنیته‌ی دوم» (اولریش بک)^۶، «جامعه‌ی شبکه‌ای» (مانوئل کاستلز)^۷، «جامعه‌ی ارتباطی» (جیانی واتیمو)^۸ و «مدرنیته‌ی سیال» (زیگمون بومن)^۹. در مقاله‌ی حاضر پی‌آمدهای هویتی آغازین این عصر جدید بررسی می‌شود.

1- Structuration theory
2- Anthony Giddens
3- Virtual Sociology
4- Cyber Space
5- Mark Poster

6- Ulrishbeck
7- Manuel Castels
8- Gianni Vattimo
9- Zigmon Bauman

هویت و بازتابندگی

سپهر مجازی آمیخته‌ای از سه عنصر مادی و نمادین و تجربه‌های فردی متفاوت است. اینترنت فقط ابزاری الکترونیکی با قابلیت‌های تازه‌ای برای دیجیتالی کردن پیام‌ها نیست؛ بلکه فراتر از آن، دنیایی مجازی حاصل از انقلاب دیجیتالی است که همانند سایر انقلاب‌ها تصویری نوین از جهان عرضه می‌کند، ارزش‌های اجتماعی را متحول می‌سازد و امکاناتی را برای نمایش خویشتن در مقابل دیگری فراهم می‌آورد و فن‌آوری‌های جدید رایانه‌ای - ماهواره‌ای و سایر وسایل آن را مهیا می‌کند. به هر حال، دانش بشری سرانجام به جایی رسید که بتواند امکان ایجاد یک شبکه‌ی اطلاعاتی را میسر کند. این امر به نوبه‌ی خود دگرگونی گسترده و دامنه‌داری را در فرهنگ و شیوه‌های شکل‌گیری هویت افراد و گروه‌ها به وجود آورد که عمده‌ترین آن‌ها افزایش نقش افراد در ساختن^۱ هویت خویش می‌باشد. از این پدیده زیر عنوان بازتابندگی^۲ نام برده می‌شود. میان پدیده‌ی بازتابی و ظرفیت تازه‌ی هویت، برای شکل دادن دوباره به خود و اسلوب‌های نوظهور ارتباطی، پیوند تنگاتنگی وجود دارد؛ به صورتی که اینترنت به واسطه‌ای برای افزایش نقش بازتابی هویت تبدیل شده است. این امر بدان معناست که اکنون افراد آسان‌تر می‌توانند هویت‌های فردی و جمعی خود را بازسازی کنند و از نو بسازند. البته این بازسازی صرفاً به اراده‌ی افراد منوط نیست؛ بلکه رویدادهایی مانند جهانی شدن نیز در آن مؤثرند.

«آنتونی گیدنز» جامعه‌شناس انگلیسی در آثار اخیرش این رابطه را توضیح داده است و در چارچوب نظریه‌ی ساخت‌یابی، ظرفیت‌های بازتابی انسان متأخر را می‌سنجد. وی در کتاب «تجدد و تشخیص» در پاسخ به این پرسش که «هویت شخصی چیست؟» می‌نویسد، هویت شخصی چیزی نیست که در نتیجه‌ی تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد؛ بلکه فرد باید آن را به‌طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۱). به عبارتی، هویت شخصی مستلزم آگاهی بازتابی فرد است. از این دیدگاه، هویت شخصی نوعی خصیصه‌ی متمایز یا به‌ویژه مجموعه‌ای از خصیصه‌های متمایز از پیش داده شده نیست. هویت شخصی در حقیقت همان «خود» است که شخص آن را به‌صورت بازتابی از زندگی‌نامه‌اش می‌پذیرد (ص ۸۲). به عقیده‌ی «گیدنز» هویت امری ساخته

1- Construction

2- Reflexivity

شده است و ساخته شدن آن پایانی ندارد؛ چون فرد مدام دانش و اطلاعات خویش را در راه تعریف و نظم دادن دوباره به فعالیت‌ها و هویتش و چگونگی بازنمایی این هویت در جهان صرف می‌کند و به همین دلیل هویت حالت بازتابی دارد و در نتیجه ایستا نیست (پنا و دیگران^۱، ۱۹۹۹: ۳۲). این تلقی به هویت حالت دیالکتیکی می‌دهد.

مفهوم بازتابی جایگاه ویژه‌ای در آثار اخیر «گیدنز» دارد و نمود آن در نظریه‌ی ساخت‌یابی قابل مشاهده است. روی کرد ساخت‌یابی بر این فرض استوار است که عامل و ساختار به یکدیگر وابستگی متقابل دارند. بدین گونه که کیفیات ساختاری نظام‌های اجتماعی واسطه و در عین حال نتیجه‌ی اعمالی هستند که بر اساس آن نظام شکل می‌گیرد. «گیدنز» برخلاف نگرش‌های رایج، مایل نیست نگاهی عینیت‌گرایانه به ساختار داشته باشد و اغلب ساختار را در ارتباط با عملکرد عاملان بررسی می‌کند و ساختار را مدام دستخوش تغییر می‌داند. هنگامی که وی ساختار را یک نظم مدام در حال تغییر شکل معرفی می‌کند، منظورش آن است که نظام‌های اجتماعی، به‌عنوان اعمال اجتماعی که باز تولید می‌شوند، فاقد یک ساختار متصلب و معینی هستند و فقط برخی اوصاف و کیفیات ساختاری را بروز می‌دهند (گیدنز، ۱۹۸۷: ۱۷)، هدف وی ارایه‌ی تلقی غیرمکانیکی از ساختار است. از سوی دیگر، از دیدگاه نظریه‌ی ساختاری، فعالیت‌ها تکرار نمی‌شوند؛ بلکه به این منظور باید کنشگرانی وجود داشته باشند که شرایط مزبور را باز تولید کنند. از این‌رو نقطه‌ی عزیمت ساختارگرایانه کافی نیست و شرح تأویلی لازم است؛ زیرا نوع دانش عاملان و وجه نظریابی در تکرار یا تغییر نظم حاکم بر اعمال اجتماعی مؤثر است. بدین ترتیب کنش‌های فردی صبغه‌ی گفتمانی پیدا می‌کنند (ص ۳). این لحظات گفتمانی در یک دوره‌ی زمانی از طریق تجربه‌های فردی تداوم می‌یابد.

«گیدنز» کوشیده است از دام ثنویت عینی - ذهنی بگریزد. او نشان می‌دهد که میان اوصاف ساختاری، تعامل اجتماعی و تلاش افراد برای دستیابی اهداف و مقاصد شان فاصله‌ای وجود ندارد. نکته‌ی اساسی در نظریه‌ی ساخت‌یابی این است که همواره عاملی وجود دارد که درگیر نوسازی یا باز تولید ساختارها است (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۳۶). در نتیجه، ساختار، دیگر یک شکل از پیش داده شده نیست و با ایده‌ی فاعلیت پیوند می‌خورد. ساختارها صرفاً واقعیت‌های بیرونی یا محدود کننده‌ی کنش افراد نیستند؛

1- Penna, O brien and Hay

بلکه این ساختارها شرایط کنش اجتماعی اند و به واسطه‌ی کنش اجتماعی باز تولید می‌شوند (ص ۳۱).

اینترنت و بازتابندگی

همانگونه که «لیدر»^۱ اشاره می‌کند، «گیدنز» با طرح مسأله‌ی ساخت‌یابی در واقع می‌خواهد از تبعات منفی جبرگرایی و اراده‌گرایی^۲ هر دو برکنار بماند (لیدر، ۱۹۹۷: ۱۱۳) تا ساختار بر عامل حاکم نشود و عوامل تأویلی نادیده گرفته نشود.

به عقیده‌ی نگارنده، این دقت نظر «گیدنز» برای توضیح آثار هویتی اینترنت اهمیت اساسی دارد؛ زیرا به شناخت رابطه‌ی فرد و اینترنت کمک می‌کند. براساس نظریه‌ی ساخت‌یابی، اینترنت را صرفاً به‌عنوان یک رشته امکانات محض در جهت تواناسازی فرد برای گردآوری انبوه اطلاعات و رشد کثرت‌گرایی (دیدگاه خوش‌بین) نمی‌دانم؛ بلکه آن را بیش‌تر به‌عنوان ساختاری فنی در نظر می‌گیرم که دارای کیفیات ساختاری و قواعد^۳ خاص خود است و کاربران^۴ از تأثیرات این کیفیات ساختاری برکنار نمی‌مانند. از سوی دیگر، با دیدگاه‌هایی که اینترنت را ساختاری عینی و بیرونی و متصلب فرض می‌کنند که در چارچوب آن ذهنیت افراد شکل می‌گیرد، کاربران را تحت سیطره‌ی خود قرار می‌دهد و جبری را بر آنان تحمیل می‌کند (دیدگاه بدبین) نیز موافق نیستم؛ زیرا این روی‌کرد نقش عاملان را یکسره نادیده می‌گیرد و کاملاً جبرگراست. به جای آن، چنین مقبول می‌نماید که به پیوستگی عامل و ساختار باور داشته باشیم. روی‌کرد سوم از جبرگرایی و اراده‌گرایی فاصله می‌گیرد و ضمن آن‌که محدودیت‌های گفتمانی و ظرفیت‌های جدید اینترنت را در نظر دارد، به آزادی عمل کاربران نیز توجه می‌کند.

اگر به روی‌کرد بینابینی بالا در ارزیابی رابطه‌ی فن‌آوری اینترنتی و انسان قایل باشیم، آن‌گاه از تأیید یا انکار محض اینترنت خودداری خواهیم کرد و در مقابل، رویه‌ی بازاندیشی انتقادی را درباره‌ی نقش شبکه‌های اطلاع‌رسانی و فن‌آوری‌های جدید، براساس ملاک نوع تأثیرگذاری آن بر ارزش‌های انسانی دنبال خواهیم کرد. «ویلهم»^۵ از روی‌کرد سوم که نقاط ضعف و قوت را یکجا در نظر می‌گیرد، زیر‌عنوان نگرش «تکنورئالیسم»^۶ نام می‌برد (ویلهم، ۲۰۰۰: ۹). هدف از اتخاذ این روی‌کرد در مقاله‌ی

1- Layder

2- Voluntarism

3- Rules

4- Users

5- Wilhelm

6- Techno-realism

حاضر، فراتر رفتن از ثنویت انگاری فن دوستی - فن ترسی است. در این حالت، در عین آن که ابعاد هستی‌شناختی^۱ فن‌آوری اینترنت نادیده گرفته نمی‌شود (نفی فن دوستی)، در عین حال، فن‌آوری برای همه‌چیز تعیین کننده نخواهد بود (نفی فن ترسی^۲).

فن‌آوری نوین اینترنتی امکانات جدیدی را فراهم می‌آورد که فرد با اتکا به آن می‌تواند بر بعضی محدودیت‌های خود چیره شود. در درجه نخست، باید از کاهش محدودیت‌های وجودی سخن گفت. اولاً، به لحاظ هستی‌شناختی اینترنت تجربه‌ی جدید از هویت و بودن در جهان را در اختیار کاربرانش قرار می‌دهد که برساخته‌ی سپهر مجازی است. در واقع، انواع جدید حضور در جهان بر اساس این هویت‌های جدید شکل می‌گیرد. در دنیای مجازی جسمانیت رنگ می‌بازد و هویت حالت ابهام‌آمیزی پیدا می‌کند؛ زیرا بسیاری از عناصر شخصیتی که فرد در دنیای جسمانی به آن‌ها عادت دارد، در سپهر مجازی اهمیت و معنای خود را از دست می‌دهد. بدین ترتیب، فرد برای نخستین بار فرصت می‌یابد که از محدوده‌ی تن خویش عبور کند و هویت را بدون وابستگی به کالبدش تعریف کند و آن را فارغ از محدودیت‌های بدنی به دیگران بشناساند. سپهر مجازی از عهده‌ی این کار بر می‌آید؛ زیرا مشتمل بر اطلاعات - و نه ماده است - (اسمیت و کولاک^۳، ۱۹۹۹: ۲۹). در این جا ما با هویت‌های الکترونیکی سروکار داریم که توسط خود فرد ساخته شده است. دنیای فیزیکی وحدتی را به فرد تحمیل می‌کند؛ ولی در دنیای مجازی به سختی می‌توان چنین وحدتی را یافت.

به‌علاوه، در اینترنت ما با یک هویت واحد سروکار نداریم؛ بلکه در شاهرهای به سر می‌بریم که در آن مرتب مواجهه‌هایی صورت می‌گیرد. این مواجهه‌ها به شکل ساده‌ی رویارویی چهره به چهره نیست؛ بلکه به صورت مبادله‌ی الکترونیکی و راه دور است و طی آن هویت‌ها به شکل غیرمعمولی به نمایش گذاشته می‌شوند. چون در اینترنت فاصله از میان برداشته می‌شود، مواجهه‌ی افراد آسان‌تر می‌شود و امکان مواجهه‌ی غیرحضوری فراهم می‌آید. بدین ترتیب جامعه‌ی شبکه‌ای^۴، براساس تعامل شرکت کنندگان با یکدیگر شکل می‌گیرد که در آن بدون نیاز به ملاقات حضوری اطلاعات رد و بدل می‌شود. در اینترنت افراد صرفاً در رده‌ی تولید کننده یا مصرف کننده قرار نمی‌گیرند؛ بلکه می‌توانند هر دو نقش را هم‌زمان داشته باشند و اینترنت به‌عنوان یک واسطه‌ی ارتباطی میان آن‌ها عمل کند و تسهیلات لازم در این زمینه را در اختیار آنان

1- ontologic

2- Technophobia

3- Smith and Kollock

4- Net Work Community

قرار دهد. این که فرد می تواند (به انتخاب خود) نقش مصرف کننده یا تولید کننده‌ی اطلاعات را ایفا کند، اینترنت را از شکل یک رسانه‌ی متعارف خارج می کند. این امر «محیطی آنارشیک» را برای تبادل نسبتاً بدون میانجی و واسطه میان افراد بوجود می آورد (اسمیت و اسمایت^۱، ۲۰۰۰: ۱۹۴). از این طریق اعضای گروه می توانند دائماً با یکدیگر در ارتباط باشند، بدون آن که نیازی به جمع شدن آنان در یک مکان یا زمان خاص باشد.

همین طور در اینترنت سلسله مراتب ارتباطی تضعیف می شود و همراه با آن فرد مجال بیش تری برای ارایه هویت مورد نظر خود پیدا می کند. ارتباط نیز چنان که گفته شد دوسویه است و جای گوینده و مخاطب مدام عوض می شود. از این لحاظ اینترنت انقلابی در صنعت ارتباطات ایجاد کرد. فراتر از آن، اینترنت یک ابرمتن^۲ است که در آن متن های مختلف به هم پیوستگی دارند و بین آنها ارتباط برقرار می شود. تعاملی بودن ابرمتن، به آن خصلت گفت و شنودی می دهد؛ زیرا در ابرمتن تأکید اصلی بر روی ارتباط و نه روی کنش قرار دارد (لایمیک^۳، ۱۹۹۹: ۴۴)؛ به خصوص آن که از ابتدا ناهمگونی و تفاوت اموری مشروع دانسته می شود. این امر اجازه‌ی تشکیل صورت بندی های گفتمانی متعددی را در ابرمتن می دهد. مجازی شدن ملموس ترین جنبه های زندگی، مانند جسم، متن و اقتصاد این روند را تشدید کرده است.

اینترنت و هویت مجازی فردیت یافته

اینترنت دارای قابلیت است که به واسطه‌ی آن افراد می توانند خودهای جدیدی را در دنیاهای جدید بسازند. این امور ممکن است در دنیای مادی اصلاً وجود خارجی نداشته باشند یا فرد به زعم خودش قادر به دستیابی به آن نباشد. این ها استفاده از اینترنت را برای کاربران جذاب تر می کند. بدین ترتیب، وب به مکانی برای معرفی و نمایش شخصیت فرد تبدیل می شود. البته قضیه به همین جا ختم نمی شود؛ زیرا امکان دارد که تصویر ارایه شده از سوی یک فرد بر روی وب، توسط دیگران به صورت هایی غیر از شکل مورد نظر وی تفسیر شود (اسلدین، ۱۳۸۰: ۱۵۶۰).

حتی امکان معرفی خود در سایت های مختلف به صورت های گوناگون وجود دارد. به صورتی که افراد بتوانند در جریان ارتباط گیری «هویت الکترونیک چندگانه ای» برای

1- Smith and Smythe
2- Hypertext

3- Lemke

خود بسازند و هر بار خود را به یک صورت نشان دهند. تلویزیون و سایر رسانه‌ها فاقد این ویژگی خاص سپهر مجازی‌اند. در مجموع، هویت اینترنتی با دیدگاه‌های متعارف درباره‌ی هویت جور نیست. دیدگاه‌های متعارف درباره‌ی هویت به دنبال کلیت سازی درباره‌ی مفهوم هویت و یکپارچه نشان دادن آن هستند و تأثیر کلی آن را بر فرد در نظر می‌گیرند (بیل^۱، ۲۰۰۱: ۱۱۴)؛ اما با این اوصاف در سپهر مجازی استفاده از چنین تعاریفی برای هویت دشوار می‌شود و با گسترده‌تر شدن مرزهای هویتی، مرزبندی هویت واقعی و تخیلی در اینترنت مخدوش می‌شود.

به هر حال، اینترنت محصول عصر درهم‌شکستگی هستی‌شناختی و پیچیده‌تر شدن فزاینده‌ی تفاوت‌های فردی است و با آن سنخیت تام دارد. امروزه حتی اعضای خانواده‌ها و همسایگان نیز به ندرت معنای واحدی از هویت در ذهن دارند. این امر تشخیص اصالت‌ها را روزبه‌روز دشوارتر می‌سازد. «آلن تورن» به خوبی این شرایط به ظاهر تناقض‌آمیز انسانی را توصیف کرده است: «ما در سکوت زندگی می‌کنیم، در شلوغی به سر می‌بریم، منزوی هستیم، در دریای خلق گم شده ایم» (تورن، ۱۳۸۰: ۱۶۰)، از این حیث، هویت اینترنتی را می‌توان با فرایند اساساً مدرن تشکیل هویت به‌وسیله‌ی خویشتن و رسیدن به فهمی از خود و هویت‌یابی مربوط دانست.

درواقع، فرد در دوره‌ی مدرنیته از جا کنده می‌شود و اضطراب‌های وی افزایش پیدا می‌کند. اینترنت نه تنها این وضع را متحول کرد؛ بلکه به آن شدت بخشید. در این جا ساختار و فردیت به هم می‌رسند و توأمأ مهم‌ترین جنبه‌ی پست مدرنیستی اینترنت را می‌سازند. امکانات موجود برای انتخاب انواع متفاوت خروجی‌های اینترنت نه تنها فردیت کاربران را تقویت می‌کند؛ بلکه موجب تکثر بیش‌تر می‌شود. در عین حال، هم‌زمان با افزایش میزان تفاوت‌ها در اثر رشد استفاده‌ی عمومی از اینترنت، جهان‌بینی‌های افراد واگراتر^۲ می‌شود. گروه‌های مختلف به برداشت‌های گوناگونی از جهان می‌رسند (گیببیز، ۱۳۸۱: ۷۸). اینترنت شبیه یک بازار ارتباطی است و همین به تکثر هویتی و رشد فردیت کمک می‌کند و آشکال ابراز وجود شخصی را متنوع‌تر می‌کند، اما در عین حال نمی‌توان از این ایراد چشم‌پوشی کرد که وسایل ارتباطی به تدریج نقش فزاینده‌ای در سست کردن انسجام اجتماعات واقعی و ذره‌ای کردن جوامع انسانی دارد (سندی ولر و هند^۳، ۲۰۰۲: ۲۰۲). باید گفت که اینترنت، در مقایسه با تلویزیون،

1- Bell

3- Sandy well and Hand

2- Divergence

گاه تأثیر بیش‌تری در تنهایی فرد دارد. به هر حال، اعضای یک خانواده به بهانه‌ی دیدن برنامه‌ی تلویزیون دور هم و در یک‌جا جمع می‌شوند؛ درحالی‌که کاربران اینترنت معمولاً در تنهایی عمل می‌کنند.

اینترنت باعث رشد یک فرهنگ شخصی^۱ شده و حاصل تخیلات و تصورات و پندارهای فردی است. این امر به قیمت کاهش نفوذ کلیت‌های سیاسی بر هویت‌سازی‌های فردی تمام می‌شود و می‌تواند به شکل‌گیری منابع جدید هویتی بیانجامد. «جیمز لول»^۲ برای توضیح این گرایش جدید در فرهنگ از اصطلاح «فوق فرهنگ»^۳ استفاده می‌کند. به گفته‌ی وی این‌که جوامع فرهنگی به انحای جدید شکل می‌گیرند، این نشانه‌ی تغییر شکل تجربه‌های بشری خواهد بود. اگرچه در این حالت جامعه هم‌چنان به قوت خود باقی می‌ماند و هویت خود را حفظ خواهد کرد، ولی مقوله‌های فرهنگی جامعه به‌طور کلی تغییر پیدا می‌کنند. فوق فرهنگ به سوگیری‌ها و تجربه‌های شخصی فرهنگی مربوط می‌شود. در این حالت ارتباطات و تعامل‌های بین فردی نقش گسترده‌ای در فرهنگ‌سازی ایفا می‌کنند (لول، ۲۰۰۱: ۱۳۲). البته هر فوق فرهنگی طبعاً محتوای خاص خود را دارد و می‌تواند شامل عناصر سنتی و مدرن و پست مدرن باشد. اتفاقاً یکی از ویژگی‌های مهم فوق فرهنگ پویایی آن در مربوط کردن و پیوند دادن حوزه‌های فرهنگی مختلف است و در چارچوب آن دور و نزدیک، سنتی و مدرن به هم می‌رسند (ص ۱۳۳). در نهایت، با توجه به پدیده‌ی «فوق فرهنگ» نقش یکپارچه‌ساز^۴ فرهنگ کم‌رنگ می‌شود.

با در نظر گرفتن تأثیر فوق فرهنگ‌ها، تنوع زندگی فرهنگی معاصر و افزایش مشهود میزان تأثیرگذاری رسانه‌های جدید در زندگی افراد، دیگر نمی‌توان مخاطبان رسانه‌ای را همانند گذشته تصور کرد. اگر بخواهیم از تعبیر ساخت‌یابی برای توضیح این مسأله بهره بگیریم، می‌توان چنین استدلال کرد که تحولات جاری از یک سو ساختاری فردیت‌ساز پدید آورده و آن را تقویت می‌کند و از سوی دیگر، عاملان در درون این ساختار به هیچ وجه به طرز انفعالی عمل نمی‌کنند و با عملکرد خود ساختار مزبور را مدام بازسازی و تجدید می‌کنند و از این طریق به نحوی در ساختن شالوده‌ی هویت خود سهم دارند. بنابراین، با در نظر گرفتن فوق فرهنگ، باید گفت که هویت فردی صرفاً بر اساس یک رشته عوامل کلی و فوق فردی و ساختاری قوام نمی‌گیرد؛ بلکه تا

1- Personalized

2- James Lull

3- Super Culture

4- Integrative

حدود زیادی وابسته به عملکرد بازتابی خود فرد است. ورود به سپهر مجازی رنگ و بوی خاصی به این وضع می‌دهد.

«گیدنز» به درستی خاطر نشان می‌کند که جهان مدرن متأخر به شدت بازتابی است. اطلاعات زیادی در دنیای مدرن مبادله می‌شود و بازتاب این اطلاعات در زندگی، شالوده‌ی هویت فردی را می‌سازد (گیدنز، ۱۳۷۹: ۶۲). این امر اهمیت رسانه‌های ارتباطی (از جمله اینترنت) را در دنیای معاصر دو چندان می‌کند. وجه بازتابی وسایل ارتباطی دیجیتال اجازه می‌دهد که شما بتوانید ذخیره‌ای اطلاعاتی خود را مورد استفاده قرار دهید و با آن به زندگی تان نظم دهید. افزایش توانایی فرد در استفاده از اطلاعات به طور مستقیم امکان کنترل را کاهش داده است. کما این که به عقیده‌ی «گیدنز» با توجه به وابستگی و اتکای روزافزون دنیای امروز به نظم اطلاعاتی بازتابی، کنترل اطلاعات به نحو برگشت‌ناپذیری غیر ممکن شده است (صص ۱۱۸ و ۱۱۹). کاهش نقش عوامل کنترلی و افزایش قدرت فرد در به نمایش گذاردن هویت خویش در اینترنت روند مزبور را تقویت می‌کند. در نتیجه، منابع شکل دهنده به هویت و قدرت انتخاب فرد، به نحو چشمگیری رشد می‌کند. آزادی عمل فرد در برخورد با هویت‌های دیگر در روی شبکه باز هم این روند را تقویت می‌کند. به هر حال، اینترنت فردیت جدیدی را در درون یک ساختار الکترونیکی مجازی می‌سازد و ظرفیت‌های فرد را برای فعلیت بخشیدن به هویت‌های شخصی خود گسترش می‌دهد.

اینترنت و جهان سوم

حال باید دید که انعکاس این شرایط در جهان سوم چه گونه خواهد بود؟ این کشورها با بحران هویت دست به گریبانند و به لحاظ فرهنگی جزو جوامع در حال گذار محسوب می‌شوند. پرسش مهم این است که ورود وسایل ارتباطی دیجیتال به این جوامع چه تغییری ایجاد خواهد کرد؟ آیا باعث سست‌تر شدن باز هم بیشتر هویت‌ها می‌شود یا آن‌که می‌تواند حتی به خلق هویت‌های نوینی یاری رساند که بحران هویت در این کشورها را تخفیف دهد؟ بدون شک، این پرسش پاسخ قطعی و یک‌جانبه‌ای ندارد. شرایط هر جامعه فرق می‌کند و نمی‌توان به صدور احکام مطلق در این باره بسنده کرد. به علاوه، تدبیر مدیران جامعه، پویایی فرهنگ عمومی و ساختار اقتصادی نیز در تعیین نوع پاسخ لازم، دخالت دارد و شدت و ضعف این عوامل می‌تواند هر کدام مسأله ساز باشد.

اینترنت دست کم از دو جهت می‌تواند در کشورهای در حال توسعه منشأ اثر باشد: خلق ارزش‌های جدید و ایجاد یک فضای اجتماعی متفاوت و به شدت خاص. در درجه‌ی اول، این ارزش‌های جدید می‌تواند تأثیرات هویتی عدیده‌ای برجای گذارد. معمولاً افراد جوان‌تر از این تحولات بیش‌تر تأثیر می‌پذیرند. چون آن‌ها اغلب حامی نوآوری در وسایل ارتباط جمعی‌اند (شیفرنت^۱، ۱۹۸۹: ۱۸۵). البته این گفته بدان معنا نیست که بزرگ‌سالان همواره در برابر تغییر مقاومت می‌کنند.

به‌طور کلی، به نظر می‌رسد که اینترنت بتواند در آینده‌ی نسبتاً دور به وسیله‌ی ارتباطی اصلی در جهان سوم تبدیل شود، تا آن زمان فرهنگ استفاده از آن به‌صورت یک خرده فرهنگ باقی می‌ماند. احتمالاً خرده فرهنگ مزبور جنبه‌ی حاشیه‌ای نخواهد داشت و تنش‌هایی را در این جوامع به بار می‌آورد. به هر حال، اینترنت خواه‌ناخواه فضای اجتماعی جدیدی ایجاد می‌کند که براساس عنصر مجازی عمل می‌کند و شیوه‌های هویت‌یابی تازه‌ای را به دنبال دارد. در مواردی این سبک هویت‌یابی در جهت تقویت قدرت فرهنگ مقابل عمل می‌کند و به شکل واکنش‌های هویتی بروز می‌کند. به سختی می‌توان از بروز این واکنش‌های هویتی جلوگیری کرد. در صورت تشدید این وضعیت، باید احتمال بروز تنش‌هایی میان فرهنگ محلی و فرهنگ مجازی در جهان سوم در آینده نزدیک را جدی بگیریم.

از سوی دیگر، رواج اینترنت در جوامع در حال توسعه وضعیتی را پدید آورده که «گوردن متیوز» از آن به عنوان «سوپرمارکت فرهنگی» یاد می‌کند (متیوز^۲، ۲۰۰۱: ۱۷۱) او عملکرد وسایل ارتباطی دیجیتال در جهان سوم را با سوپرمارکت مقایسه می‌کند. همان‌طور که شخص در سوپرمارکت چرخ دستی خود را مملو از انواع کالاها می‌کند، شبکه‌های اینترنتی و امثال آن سبدهای مختلفی شامل انواع و اقسام ارزش‌ها و گرایش‌های فرهنگی را به مشتریان خود عرضه می‌کنند. هویت فرهنگی فرد در تعیین نحوه‌ی انتخاب‌های وی بسیار مؤثر است. در واقع، به‌طور مثال، کشمکش میان فرهنگ محلی و فرهنگ سوپرمارکتی اینترنت، نزاعی هویتی است. هر چه برخورد این دو شدیدتر باشد، جذب اینترنت در جامعه‌ی مزبور (دست کم در مراحل اولیه) دشوارتر می‌شود. اگر بتوان اوضاع را به گونه‌ای هدایت کرد که میان فرهنگ ملی و سوپرمارکتی سازش حاصل شود، در این صورت احتمال بروز تنش‌های هویتی کاهش خواهد یافت.

1- Sehifirnet

2- Mathews

در این صورت به گزینش از میان انواع و اقسام کالاها و ارزش‌هایی که اینترنت عرضه می‌کند، به مراتب آسان‌تر خواهد بود.

تأثیر جانبی این سوپرمارکت فرهنگی در جهان سوم، به صورت بی‌واسطه، در قالب ظهور هویت‌های متکثر نمود پیدا می‌کند. تنوع و چندگانگی هویتی در حال رشد است. این روند در حادترین شکل خود به صورت مرقع‌پردازی ظاهر می‌شود که محصول استفاده‌ی فرد از منابع نامحدودی است که ارتباطات فرهنگی در اختیارش قرار داده است (شایگان، ۱۳۸۰: ۱۶). جنبه‌ی بازتابی این امر را نباید ناچیز انگاشت. اینترنت می‌تواند ساختار خاصی را ایجاد کند و از طریق آن به ذهنیت‌ها سازمان دهد؛ اما از سوی دیگر افراد در انتخاب‌های خود حالت منفعل ندارند و می‌توانند معانی اجتماعی متفاوتی برای هویت خویش قایل شوند. به نظر می‌رسد، تکثر هویتی به اضافه‌ی افزایش تعداد انتخاب‌های فردی به تدریج به ناهمگونی‌های فرهنگی - اجتماعی در کشورهای در حال توسعه دامن زند و حتی موجب بروز تناقضات شخصیتی در افراد شود. در این میان اینترنت نقش حساسی ایفا می‌کند. از یک لحاظ تضعیف خطوط قدیمی هویت‌ها به وسیله‌ی اینترنت در تشدید بحران هویت در این جوامع سهیم بوده است.

بدون آن‌که خواسته باشم در این مورد به یک داوری مثبت یا منفی مبادرت ورزم، باید خاطر نشان کنم که وسایل ارتباطی دیجیتالی این فرصت را در اختیار شهروندان کشورهای مختلف قرار داده است که هویت جدیدی را برای خود در سپهر مجازی آماده کنند و مطابق با همین شکل از هویت‌یابی به جهان پیرامون خویش سامان بخشند. اگر این خط سیر در جهت کشف روایتی از «خود» باشد، امری بالنده است؛ در غیر این صورت، پندارگرایی و گرفتار آمدن در چنبره‌ی امور مجازی و عدم توانایی در ایجاد ارتباط با واقعیت می‌تواند به نوبه‌ی خود بحران‌زا باشد. این دوگانگی ذهن و عین - در جهان سوم - می‌تواند آثار منفی سیاسی و فرهنگی به همراه آورد. به هر حال، پدیده‌هایی مانند اینترنت از چنان ساختار فنی برخوردارند که بتوانند به روند تحولات شتاب بخشند. بدون شک، تأثیرگذاری اینترنت در روندهای عمومی جوامع در حال توسعه، در آینده باز هم بیش‌تر خواهد شد. در این میان، آنچه بیش‌تر اهمیت دارد، نحوه‌ی استفاده از اینترنت به خصوص در جوامع در حال توسعه است. اینترنت، همانند هر فن‌آوری جدیدی که هنوز به خوبی جذب جامعه نشده باشد، به صورت کاملاً تعریف شده‌ای به کار گرفته نمی‌شود. به علاوه، نابرابری اطلاعاتی میان شمال و جنوب باعث می‌گردد که کشورهای جهان سوم در زمینه‌ی بهره‌برداری از اینترنت در موقعیت

حاشیه‌ای قرار بگیرند. شواهد موجود، حکایت از این دارد که اگر ممالک در حال توسعه بخواهند در آینده شکاف موجود میان خود و کشورهای صنعتی را کاهش دهند، باید در زمینه‌ی اقتصاد اطلاعات به برتری و مزیت‌هایی دست پیدا کنند. این امر بیانگر آن است که مسأله‌ی اینترنت فقط به هویت مربوط نمی‌شود؛ بلکه به توسعه‌ی کشورها ارتباط پیدا می‌کند. اگر کشورهای جهان سوم نتوانند با استفاده از امکانات وسایل ارتباطی دیجیتال موقعیت خود را در نظام جهانی بهبود بخشند، این خطر وجود دارد که افزایش فاصله‌ی آن‌ها با کشورهای صنعتی - به‌طور غیرمستقیم - باعث افزایش فشارهای هویتی بر این جوامع شود. این مسایل بیانگر آن است که باید در آینده درباره‌ی ابعاد هویتی اینترنت بیش‌تر تحقیق شود.

از آن‌چه گفته شد، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که اینترنت و مجازی شدن اینترنتی از جمله عوامل شتاب دهنده‌ی تکثر هویتی در جهان سوم است. از این‌رو، می‌توان آن را به‌عنوان یکی از وسایل نفوذ مدرنیته‌ی متأخر در جوامع در حال توسعه قلمداد کرد؛ اما در مورد اینترنت نیز، همانند سایر موارد مشابه، عامل توسعه‌ی ناموزون اجازه نمی‌دهد که آثار مدرنیته‌ی متأخر عیناً به همان صورت جوامع غربی نمود پیدا کند. اگر واقع‌بین باشیم و عوامل فرهنگی، سطح آموزش و نحوه‌ی روابط اجتماعی را در نظر داشته باشیم، آن‌گاه نمی‌توانیم به سادگی و از طریق یک قیاس ساده تأثیر فضای مجازی را در کشورهای صنعتی، به جوامع در حال توسعه تسری دهیم.

بدون شک، عوامل چندی مانع این مقایسه می‌شود که شاید مهم‌ترین آن‌ها فقدان سازمان‌دهی اجتماعی در جوامع در حال توسعه است. اغلب این کشورها در سطح نسبتاً پایین سازمان‌دهی اجتماعی قرار دارند و از سازمان‌دهی لازم برای جذب بهینه‌ی فن‌آوری‌های جدید برخوردار نیستند. به همین دلیل، جذب فن‌آوری‌های تازه - از جمله اینترنت - به نحو کاملاً پراکنده‌ای صورت می‌گیرد و برنامه‌ریزی نشده است. این امر اولاً میزان اثرگذاری راهبردی اینترنت را کاهش می‌دهد؛ یعنی، استفاده‌ی بهینه از سپهر مجازی را در جهت اهداف ملی این کشورها موجب نمی‌شود. به صورتی که خلق سپهر مجازی با توجه به منافع ملی و یکپارچگی جامعه صورت نمی‌گیرد. این امر عملاً امکان تأثیرگذاری از بالا بر هویت‌سازی خرده‌هویت‌ها و هویت‌های کلان (مانند هویت جامعگی) را از بین می‌برد. در بسیاری از موارد، مسأله‌ی «بحران هویت» (در سطح ملی و محلی) چیزی غیر از «تأثیرگذاری خارج از کنترل» نیست که اصطلاحاً چنین تعبیر می‌شود. ثانیاً، وضعیت خاص توسعه و فرهنگ و مناسبات اجتماعی در ممالک جهان سوم به

گونه‌ای است که اینترنت به نحوی ناموزون اثر می‌گذارد و در همه‌ی حوزه‌ها به یک اندازه مطرح نیست. توسعه‌ی ناموزون سپهر مجازی در این جوامع؛ یعنی، رشد یافتگی نسبی آن در برخی حوزه‌ها و عدم رشد آن در حوزه‌های دیگر، تا حدود زیادی از اثربخشی اینترنت در تحول فرهنگی - صنعتی این جوامع کاسته است. متأسفانه، در بسیاری از این کشورها اینترنت سوء کارکرد دارد و به شکل حاشیه‌ای و به‌عنوان وسیله‌ی سرگرمی مطرح است و آن‌چنان به‌عنوان یک وسیله‌ی اطلاعاتی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. این موضوع در نهایت موجب می‌شود که این جوامع به سختی بتوانند به یک نظم ارتباطی جامع دست پیدا کنند و ضمناً یک سپهر مجازی فراگیر را برنتابند. در نتیجه، با وجود رشد کمی قابل توجه تعداد کاربران اینترنتی، تحول ساختاری در این زمینه مشاهده نمی‌شود. این مورد نیز یکی از مواردی است که آمار خام نمی‌تواند گویا باشد. به‌هر حال، با وجود سوءکارکردهای عدیده و رشد ناموزون و گاه آسیب‌شناختی اینترنت در برخی جوامع در حال توسعه، باز هم فرضیه‌ی مقاله‌ی حاضر در مورد این جوامع مصداق پیدا می‌کند. براین اساس، مجازی شدن اینترنتی، ابزار نمایش هویت خویش است و به تکثر هویتی فرد کمک می‌کند. هیچ‌کدام از دو آفت بالا مانع تحقق فرضیه‌ی مزبور نخواهد بود. این وضعیت، به نوبه‌ی خود، ممکن است بحران هویت را در این جوامع تشدید کند. زیرا از یک سو به دلیل ضعف سازمان‌دهی اجتماعی، دولت‌های ضعیف و ناکارآمد معمولاً قادر به مقابله با عوارض منفی پدیده‌های جدید نیستند که این امر در نهایت موجب گسترش عوامل منفی اینترنت می‌شود. از سوی دیگر هویت‌سازی فردی در چارچوب سپهر مجازی باعث تقویت «فردیت جدیدی» می‌شود که ساختارهای اجتماعی - فرهنگی این جوامع قادر به پاسخ‌گویی به آن نیستند و در بسیاری مواقع چالش‌ها بدون جواب می‌مانند. این امر در بلندمدت به بیگانه‌سازی بخش‌هایی از جامعه می‌انجامد. شکاف نسل‌ها می‌تواند این احساس بیگانگی را تشدید کند؛ اگرچه این معضل برای هر دولتمردی یک تهدید حساب می‌شود، ولی نباید با آن به‌صورت یک مشکل سیاسی - امنیتی برخورد کرد؛ بلکه باید راه‌حل‌های فرهنگی برای آن یافت.

نتیجه‌گیری

در مقاله‌ی حاضر تلاش شد که تأثیر هویتی اینترنت و رابطه‌ی آن با تکثر فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد. به‌طور کلی، کثرت‌گرایی فرهنگی، یکی از پی‌آمدهای مدرنیته‌ی

متأخر است و با روند «هویت بازتابی» ارتباط مستقیم دارد. از این رو، هویت مجازی یک چرخش از روندهای قبلی نیست؛ بلکه اینترنت با تقویت کثرت‌گرایی فرهنگی و بازتابی بودن، صرفاً روندهایی را که از قبل وجود داشته، تحکیم می‌بخشد. بنابراین، باید توجه داشت که گسترش اینترنت در مقیاس جهانی تا حدود زیادی به دلیل انطباق آن با روندهای مزبور است.

به علاوه، از یک لحاظ، هویت‌سازی مجازی به تغییر همه‌ی معادلات هویتی نمی‌انجامد. در جوامعی که هویت‌های فردی تثبیت شده باشد و از انسجام لازم برخوردار باشند، ورود به عرصه‌ی سپهر مجازی و آشنایی با هویت مجازی تحول جدی در هویت فرد پدید نمی‌آورد؛ بلکه سپهر مجازی حتی می‌تواند به ابزاری برای استحکام بخشیدن به هویت فردی یا جمعی تبدیل شود. به همین خاطر، به هنگام بررسی رابطه‌ی اینترنت و جامعه باید از نگرش‌های جبرگرا، تأکید صرف بر تقابل‌سازی میان هویت‌های مجازی و غیرمجازی پرهیز کرد. بدین ترتیب، اینترنت می‌تواند به یکی از منابع هویت‌های جمعی در کشورهای در حال توسعه تبدیل شود.

منابع :

- ۱- اسلوین، جیمز (۱۳۸۰): *اینترنت و جامعه*، ترجمه‌ی عباس گیلوری و علی رادباوه، بی‌جا: نشر کتابدار.
- ۲- پاستر، مارک (۱۳۷۷): *عصر دوم رسانه‌ها*، ترجمه‌ی غلامحسین صالحیار، تهران: انتشارات مؤسسه ایران.
- ۳- تورن، آلن (۱۳۸۰): *نقد مدرنیته*، ترجمه‌ی مرتضی مردیها، تهران: گام نو.
- ۴- شایگان، داریوش (۱۳۸۰): *افسون زندگی جدید*، ترجمه‌ی فاطمه ولیانی، تهران: فرزانه روز.
- ۵- گیبینز، جان و بوریمر (۱۳۸۱): *سیاست پست مدرن*، ترجمه‌ی منصور انصاری، تهران: گام نو.
- ۶- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸): *تجدد و تشخیص*، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- ۷- _____ (۱۳۷۹): *جهان رها شده*، ترجمه‌ی علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران: علم و ادب.
- ۸- _____ (۱۳۸۰): *معنای مدرنیته: گفت و گو با آنتونی گیدنز*، ترجمه‌ی اصغر سعیدی، تهران: انتشارات کویر.
- 9- Bell, D. (2001); *An Introduction to Cyberspace*, London; Routledge.
- 10- Giddens, A. (1984); *The Constitution of Society*, Cambridge: Polity Press.
- 11- Hand, M. and Sandy Well (2002) "E-topia as Cosmopolis or Citadel on the Democratizing and De-democratizing logics of the Internet, or, Toward a Critique of New Technological Fetishism", *Theory, Culture and Society*, No. 1-2.
- 12- Layder, D. (1997); "Power, Structure and Agency, In C. Bryant and D. Jary (ed.), *Anthony Giddens: Critical Assessment*, London: Routledge.
- 13- Lemke, J. (1999); "Discourse and Organizational dynamics: Website Communication and Institutional Change", *Discourse and Society*, No 1.
- 14- Lull, J. (2001); "Superculture for the Communication Age", In J. Lull, (ed.), *Culture in the Communication Age*, London: Routledge.
- 15- Mathews, G. (2002); *Global Culture / Individual Identity*, London: Routledge.
- 16- Penna, S. and OBrien and Hay (1999); *Theorizing Modernity*, London: Longman.
- 17- Schiffirnet, C. (1989); "Youth as a new Element in the Evolution of Society," In Y. Simhadri, (ed.), *Development of Emerging World Youth*, Delhi: Mittal Publications.
- 18- Smith, M. and Kollock (1999); *Communities in Cyberspace*, London: Routledge.
- 19- Smith, P. and Smythe, "Globalization, Citizenship and Technology," In F. Webster, (ed), *Culture and Politics in the Information Age*, London:, Routledge.
- 20- Wilhelm, A. (2000); *Democracy in Digital Age*, London: Routledge.

